نگاهی مختصر به کاریکاتور در عصر مشروطه و نشریه ملانصرالدین

تصویر اندیشه آزادی

صالح تسبیحی

«حضور مبارک اعضای محترم مجلس دارالشورای ملی دامت تائیداتهم. اولین اساس ترقی و انتباه و ایقاظ هر ملت جراید است. جریده ملانصرالدین که مرآت قبایح اعمال مستبدین و اسباب ترقی ملت است نمی‌دانیم به چه ملاحظه در پستخانه توقیف و اذن توزیع نمی‌دهند و این فقره موجب یأس و هیجان ملت گشته، شکایات مفصله به انجمن می‌کنند که در زمان استبداد منع توزیع جریده ملانصرالدین نمی‌شد حال که ایام عدالت و آزادی قلم است چرا منع نشر جراید می‌شود. استدعا داریم مقرر فرمایند پستخانه تبریز مانع نگشته موجب اطمینان ملت و اِسکات هیجان ایشان گردد و لازم است که در این حضور اقدامات لازمه را مضایقه نفرمایند.

انجمن ملی تبریز سال اول، نمره ۲۳»

■■■

مشروطه را نمی‌توان یک اندیشه منسجم، یک رویکرد اجتماعی منظم و حتی با قطعیت یک انقلاب دانست. از آن رو که وجوه متعدد این رویداد تاریخی راه را بر هر نتیجه‌گیری کلی می‌بندند و از معبر این عدم قطعیت است که مشروطه اعتبار می‌یابد و فکر و تلاشی در آن برجسته می‌شود که وجوه متعدد آن را به وحدت می‌رساند.

■■■

اصلاحات امیرکبیر و اندیشه قائم‌مقام فراهانی و نیز فکر گسترده سیدجمال و شاگردانش از جمله میرزاآقاخان کرمانی و شیخ احمد روحی و دیگران از یک طرف، متجددین مطلق‌گرا همچون میرزافتحعلی آخوندزاده و ملکم‌خان و تقی‌زاده از طرفی دیگر همه در یک امر مشترکند و آن عقب‌ماندگی فرهنگی و لزوم ضرب‌الاجل بازسازی فرهنگ است تا در پی آن اقتصاد و تمدن ایرانی بازسازی شود. مردم ایران از بد روزگار اکثریت‌شان بی‌سواد بودند و شعر را بهتر به حافظه می‌سپردند و تصویر را بهتر می‌فهمیدند. نمک طنز هم که ابزار دائم ایرانی‌هاست به این ماجرا پاشیده می‌شود تا هم زخم کهنه استبداد را بسوزاند و بگزد و هم جان‌های ناامید را شاد کند. کاریکاتور در ایران پاسخ به یک نیاز بوده است؛ نیازی که بیش از همه با تولد نشریه‌ای آذری‌زبان و با همکاری بیش از ۱۰۰ نویسنده تمام و کمال پاسخ می‌گرفت و ۲۵ سال خاری بود در گلوگاه ظالمان زمان: ملانصرالدین به دبیری جلیل محمد قلی‌زاده. می‌گویند ستارخان وقتی ملانصرالدین را با آن کاریکاتور رنگی صفحه اول و اشعارش دست گرفت، گفت عید ما امروز است. ملانصرالدین در بهار ۱۹۶۰ نخستین شماره خود را منتشر کرد و روی جلد آن کاریکاتوری با عنوان خواب ملل شرق و بیداری آنها به طبع رسیده بود. ملانصرالدین در تفلیس چاپ می‌شد بنابراین نمی‌توانست چندان با حکومت کشور تزاری روسیه دربیفتد. همچنین گردانندگان آن اغلب ایرانی بودند بنابراین در تمام آن سال‌ها، تلاش خود را به نیش و کنایه زدن و پنبه‌زنی از حکومت‌های کشورهای مسلمان‌نشین منطقه معطوف کردند. مدیر نشریه در سرمقاله آغازین نوشت: اما مبارزه با حکومت تزاری را به فرصت بعد موکول کردیم، نخستین اقدام و اولین وظیفه ما وضعیت ملت اسلام بود که در پیش چشم داشتیم. و تکلیف خود را با مخاطبانش روشن نمود. کاریکاتورهای ملانصرالدین با تکنیک چاپ سنگی و با گرایشات واقع‌گرایانه در طراحی به وجود می‌آمدند و کاریکاتوریست ایرانی «عظیم عظیم‌زاده» و دو کاریکاتوریست آلمانی (یا بلژیکی) به نام‌های «روتر و شلینگ اشمرلینگ» طراح اغلب آنها بوده‌اند. در یکی از این آثار، مشروطه همچون زنی الاهه‌وار و بالابلند بر فراز مردمان دست گشوده و در طرف راست آن مدافعان حکومت چون مار و افعی از یک طرف و در طرف دیگر مجاهدین در جدال و گریزند.

با تماشای این تصویر و تصاویر مشابه دیگر صناعت ادبی متعددی که در آنها به کار رفته واضح‌تر می‌شود. یعنی نمادگرایی همچنان که در ادبیات مشروطه توسط شاعران به کار گرفته شده، در طرح توسط کاریکاتوریست هم استفاده می‌شود. ملانصرالدین در جو اعتراضی شدیدی دست به کار شده بود که پیرو شکست روسیه تزاری از ژاپن و نیز امپراتوری بریتانیای کبیر از بوئرها قدرت هر حاکم مستبدی مورد تردید قرار گرفته و این شکست‌ها که در مطبوعات عمومی آن زمان و بالطبع در افکار عمومی بازتاب بسیاری پیدا کرده بود انگیزه‌ای قوی به دست می‌داد تا گردانندگان مطبوعات مشروطه‌خواه و نیز مجاهدین، ایمانی راسخ به برافتادن ظلم پیدا کنند.

این در تمام کاریکاتورهای نشریه ملانصرالدین به خوبی قابل تماشاست: شاه ایران دیگر ظل‌الله نیست. مردی است قصاب، خپله و نوکرصفت در خدمت بیگانه. در یکی از کاریکاتورها محمدعلی‌شاه دیده می‌شود که به همراه دستیاران روسش بر ساطوری عظیم نشسته و مردمان عریان و بی‌پناه مملکتش را سلاخی می‌کند. این کاریکاتور که به شکل رنگی هم کار شده و در نتیجه اثر اصلی صفحه اول بوده است آنچنان صمیمانه و با قدرت طراحی ساده‌سازانه‌ای کار شده است که تمام مردم بی‌سواد و عامی را در دایره مخاطبان خود گرد آورده است و حتماً دربار را به خشم آورده که دستور توقیف ملانصرالدین را در همان مرزهای آذربایجان صادر کرده بودند؛ تلگرافی که انجمن آزادیخواهان تبریز به تهران زده بودند و در آغاز این نوشته آورده شد مربوط است به همین موضوع. گفته می‌شود در سال‌های ۱۹۰۶ تا ۱۹۱۲ یعنی برابر با ۱۳۳۱ هجری قمری پرقدرت‌ترین سال‌های کاری نشری ملانصرالدین است؛ سال‌هایی که فرمان مشروط شدن شاه توسط خود او امضا شد. مجلسی تشکیل شد، بعد محمدعلی‌شاه بر سر کار آمد و شمشیر را از رو بست تا مجلس و مطبوعات را از میان بردارد. کاریکاتور ایران در این دوره است که بسیار می‌بالد. کاریکاتوریست‌های ملانصرالدین برای نخستین بار هنرمند را به مثابه مصلح اجتماعی به مردم می‌شناسانند و نام آنها در کنار «میرزاعلی‌اکبرخان طاهرزاده صابر» که در شعر طنز ترکی به «صابر» تخلص می‌کرد و نیز نویسندگان دیگر نشریات و هم‌ردیف با مجاهدین و صاحب «تاریخ بیداری ایرانیان» (ناظم‌الاسلام کرمانی) قرار می‌گیرد. این تاثیرگذاری آنقدر طولانی هست که در سال ۱۳۲۲ شمسی مدیر نشریه فکاهی «باباشمل» اذعان کند رویکرد ملانصرالدین را در پیش گرفته. شخصیت‌سازی در کارتون‌های ملانصرالدین، مدل‌برداری از لباس و پوشش و نحوه دقیق تراشیدن ریش و سر مردم ایران آن زمان است. و نیز چیره‌دستی طراحان در طراحی فیگورهای ایستادن و راه رفتن و شکلک‌های صورت، همذات‌پنداری مردم عام را در پی داشته است. آنها به راستی کاریکاتورهای ملانصرالدین را همچون آینه‌ای تمام‌قد در برابر خود می‌دیدند. عناصر خیالی به کار رفته در این کاریکاتورها نیز راز بازنمایی از همین آینه را بیشتر می‌نمایاند. در ایران نیز نخستین کاریکاتور درست پنج سال پیش از مشروطیت و به اقتضای زمان طراحی شد. نقاش که خود را «حسین‌الموسوی» نقاش‌باشی آستان قدس نامیده تصویری کشیده است و در نشریه «ادب» مشهد چاپ کرده و در آن گفته می‌شود «در همه جای عالم هر کس از نردبان ترقی بالا رود همه او را کمک می‌کنند الا ایران که همه می‌خواهند به زیرش کشند...»

در طرح، خامی و عدم رعایت ظرافت‌ها مشهود است اما آنچه مهم است همین نیش و طنزی است که از همان آغاز بر زبان کاریکاتور ایرانی سوار شده و در نشریات بعدی از جمله ملانصرالدین به بلوغ رسیده و ادامه پیدا کرده است. باری، ملانصرالدین در سال ۱۹۳۱ میلادی پس از انتشار ۷۴۸ شماره و با مرگ جلیل محمد قلی‌زاده تعطیل شد. این در حالی بود که مهم‌ترین پیرو آن در داخل ایران، یعنی نشریه «آذربایجان» تنها موفق شد ۲۰ شماره منتشر کند. اما رسالتی را که بنا برآن در آغاز برای درافتادن با حکومت‌های عثمانی، ایران، امیرنشین بخارا و در یاری رساندن به «ملت اسلام» در نظر داشت به بهترین نحو به سرانجام رساند. اما آنچه روشن است جایگاهی است که هنرمندان طراح برای به دست آوردنش همواره کوشیده‌اند و امکاناتی را که کاریکاتور در بیان اندیشه ترقی و فکر آزادی در اختیارمان قرار می‌دهد آزموده‌اند؛ امکاناتی که هنوز جای مکاشفه در ظرفیت‌های آن وجود دارد و تاریخ کاریکاتور، همچنان ادامه دارد.

منابع:

۱- مقاله کاریکاتور در عصر مشروطه، محمدرفیع ضیایی
۲- گزارش هجدهمین نشست بررسی تاریخ مطبوعات
۳- کتاب ادبیات کاریکاتور ایران در عصر اصلاحات، هادی حیدری، نشر روزنه

تصاویری از روی جلد و کاریکاتورهای داخلی مجله ملانصرالدین

یحیی تدین/yahya.tadayon@gmail.com

مجله «هارپرز» و تولد پدر کاریکاتور سیاسی امریکا

در سال ۱۸۱۷ دو برادر به نام «جیمز هارپرز» ۲۲ساله و «جان هارپرز» ۲۰ساله یک چاپخانه کوچک در شهر نیویورک تاسیس کردند. سال‌ها بعد دو برادر دیگر این خانواده به نام‌های «ژوزف» و «فلیچر» نیز به آنها پیوستند و به اتفاق هم شرکت «هارپرز و برادران» را تاسیس کردند که در آن زمان بزرگ‌ترین موسسه انتشاراتی امریکا محسوب می‌شد. در ۱۸۵۰ برادران «هارپرز» در کنار فعالیت خود دست به ابتکار تازه‌ای زدند و مجله «هارپرز ماهانه» را که یک نشریه سیاسی و اجتماعی بود برای بالا بردن سطح آگاهی‌های مردم منتشر کردند که در این بین نویسندگان معروفی چون «چارلز دیکنز» نیز در آن قلم زدند. در ۱۸۵۷ که مجله به موفقیت فراوانی رسیده بود اعضای شرکت به اتفاق هم تصمیم گرفتند فعالیت خود را گسترش داده و آن را به صورت هفتگی منتشر کنند.پس از گذشت سه سال از انتشار «هارپرز هفتگی»، تیراژ مجله به ۲۰۰ هزار نسخه رسید که رکورد بالایی بود. در همین شرایط کارتونیست جوانی به نام «توماس ناست» به استخدام مجله درآمد و توانست با توجه به مهارت در طراحی و پشتکار باعث تحول فراوانی در نشریه شود. «ناست» با توان فوق‌العاده در ایجاد موقعیت‌های طنزآمیز و نیز نگاهی نقادانه به مسائل مختلف جامعه موفق شد جای پای خود را در میان هیات تحریریه نشریه محکم کرده و همزمان نقش فراوانی در جلب مخاطبان تازه ایفا کند. همکاری کارتونیست جوان «ناست» و نشریه پرتیراژ «هارپرز» بیش از ۲۰ سال به طور دائم و بی‌وقفه ادامه یافت. «توماس ناست» عادت داشت تحرکات سیاسی و ماجراهای پشت پرده دولتمردان امریکایی را پرآب و تاب‌تر از آنچه در زندگی واقعی آنان رخ می‌دهد بیان کند و همین تاکتیک او باعث شد با خلق کارتون‌های جذاب و جنجال‌برانگیز بر روند تحولات سیاسی کشور تاثیرگذار باشد. نشریه «هارپرز» نیز بدون هرگونه اعمال نظر به او امکان می‌داد با دست باز هرچه را که به تصویر درمی‌آورد به چاپ برساند، علاوه بر آن «ناست» به موازات خلق سوژه‌های جذاب و طنزآمیز توانست در فضای کارتون‌هایش نمادهایی را خلق کند که نه تنها در امریکا بلکه در سراسر دنیا به عنوان الگوی واقعی سیاستمداران امریکایی پذیرفته شود. سه نماد مشهور او یعنی «الاغ» برای نشان دادن «دموکرات‌ها»، «فیل» برای معرفی «جمهوریخواهان» و «عمو سام» برای نشان دادن چهره واقعی امریکا هنوز پس از گذشت یک قرن و نیم دستمایه گروه‌های مختلف هنرمندان در هر رشته‌ای قرار می‌گیرد. اولین کار جدی «ناست» که در مجله «هارپرز» منتشر شد طرحی است با نام صلح (Peace) که در ۱۸۶۲ مورد استقبال خوانندگان قرار گرفت. موضوع این طرح درباره جنگ‌های داخلی شمال و جنوب و ظلمی بود که علیه سیاهان اعمال می‌شد. به طور کلی در این دوران طرح‌های «ناست» اقلیت‌های قومی در امریکا را مورد پشتیبانی قرار می‌داد؛ گروه‌هایی چون سرخپوستان، چینی‌ها، سیاه‌ها و طرح‌هایی نیز در مخالفت با قوانین ظالمانه و تبعیض‌آمیز برده‌داری. ناست در یکی دیگر از طرح‌های مشهورش به نام «ارزش برده‌داری» خانواده‌ای سیاهپوست را نشان می‌دهد که با نگرانی شاهد به آتش کشیده شدن خانه و کاشانه محقر خود توسط گروه‌های افراطی سفیدپوست هستند. در گوشه‌ای از این طرح، نژادپرستان فرقه «کوکلاس کلان» را می‌بینیم که به همراه سایر سفیدپوستان تندرو با پایکوبی و دست‌افشانی نظاره‌گر ماجرا هستند. چندی بعد موفقیت هفته‌نامه «هارپرز» و کارتونیست منحصربه‌فرد آن «ناست» به درجه‌ای رسید که در مبارزات انتخاباتی ریاست‌جمهوری سال‌های ۱۸۶۸ و ۱۸۷۲ امریکا توانستند با حمایت از کاندیداتوری «اولیس گرانت» وی را برای دو دوره بر تخت ریاست‌جمهوری امریکا بنشانند. فعالیت‌های موثر «ناست» باعث شد در سال ۱۹۰۲ «تئودور روزولت» رئیس‌جمهور وقت امریکا او را به عنوان سرکنسول امریکا در کشور «اکوادور» در امریکای جنوبی منصوب کند. «توماس ناست» تا پایان عمر به این سمت اشتغال داشت و از موقعیت خود در راه کمک‌رسانی به مردم این کشور و بهبود وضعیت اجتماعی و اقتصادی آنان بهره برد. «توماس ناست» برای رسیدن به این هدف آنچه در توان داشت انجام می‌داد، تا جایی که هنگام شیوع بیماری «تب زرد» نیز برای همدردی با مردم «اکوادور» حاضر نشد محل خدمت خود را ترک کند و به امریکا بازگردد. «توماس ناست» در سال ۱۹۰۲ و در ۶۲سالگی بر اثر همین بیماری در محل خدمتش درگذشت و سپس جنازه او با احترام فراوان به امریکا منتقل شد. هم‌اکنون در امریکا از «توماس ناست» به عنوان پدر کاریکاتور سیاسی امریکا یاد می‌شود. در حال حاضر مجله «هارپرز» به صورت ماهانه منتشر می‌شود و در زمینه ادبیات و فرهنگ، سیاست و اقتصاد و نیز موضوعات هنری فعالیت می‌کند. این نشریه از نظر سابقه تاریخی دومین نشریه‌ای است که از زمان انتشار تاکنون بدون وقفه به فعالیت خود ادامه داده است.

منابع:

1-http://www.latinamericanstudies.org/nast.htm
2-http://editorialcartoonists.com
3-http://en.wikipedia.org/wiki/Thomas_Nast
4-http://www.rd.com/all-cartoons.do

گپ لَند

کیوان زرگری

با آرش فرخی هنرمند جوان کاریکاتوریست و تصویرساز

بدون فرهنگ‌سازی نقدپذیر نمی‌شویم

-از چه زمانی با هنر کاریکاتور آشنا شدی؟

درست یادم نیست، شاید از هفت یا هشت‌سالگی بود اما از زمانی که به یاد دارم به کاریکاتور علاقه داشتم و این علاقه تا به امروز ادامه داشته است. اولین جرقه جدی هم برای من نشریه طنز و کاریکاتور بود. با دیدن این نشریه علاقه‌مندی‌ام دوچندان شد و مرتب دنبال کردم و از روی کارهای خوب مجله هم کپی می‌کردم البته به کلاس‌های کاریکاتور هم رفتم و از این طریق هم با کمک استادان مختلف مطالب بسیاری آموختم.

- چرا بیشتر به کاریکاتور چهره پرداختی؟

در واقع از همان ابتدا هم به دنبال کاریکاتور چهره بودم. این علاقه آنقدر شدید بود که هر زمان مجله طنز و کاریکاتور را می‌خریدم شروع می‌کردم به کپی جلدهای مجله که پرتره‌های آقای جواد علیزاده بودند. ولی به هر صورت کاریکاتور چهره مشکلات خاص خودش را دارد. برای من هم که در ابتدا مشکل طراحی داشتم این کار بسیار مشکل بود ولی در ادامه با کمک استاد خوبم جناب آقای حسین صافی و دوستان دیگرم موفق به حل این مشکل شدم.

-روی کاریکاتور چهره به عنوان یک شغل می‌توان حساب کرد؟

متاسفانه در مطبوعات که جایگاه اصلی کاریکاتور و کاریکاتور چهره است بسیار کم به آن پرداخته می‌شود. اگرچه در سالیان گذشته به شکل موردی در نشریاتی مثل شرق یا اعتماد ملی به کاریکاتور چهره پرداخته شده ولی اصلاً کافی نبوده و این کمبود به خوبی محسوس است.

البته در دوره‌ای کاریکاتور چهره را به شکل حضوری و زنده انجام دادم که تجربه خوبی بود و در ضمن تا حدودی هم به مشکلات اقتصادی من سر و سامان داد.

-کار رودررو با مردم چطور بود؟ برخورد، عکس‌العمل یا انتقادی هم در بین مشتریانت داشتی؟

تجربه بسیار خوبی بود. حدوداً دو یا سه سال قبل بود که به اتفاق یکی دیگر از دوستانم در فرهنگسرای توچال در زمینه کاریکاتور چهره برای مشتریانی که به این مکان می‌آمدند مشغول به کار شدیم. این همکاری سه ماه هم ادامه داشت. برخوردها و عکس‌العمل‌های مخاطبان به نحوی بود که حس می‌کردم این کار کم کم دارد جای خود را باز می‌کند. کسانی بودند که ما را چندین بار می‌دیدند و به خوبی می‌دانستند باید از ما چه بخواهند و چگونه رفتار کنند. اینها نشانه‌های خوبی بود که در کنارش موقعیت‌های کمیک و جالبی هم پیش می‌آمد. شاید موردهای بسیار کمی داشتیم که از کاریکاتور چهره‌شان ناراضی نبودند. اگر هم این‌گونه می‌شد به روی خودشان نمی‌آوردند و خلاصه کسی با دیدن کاریکاتور خودش شاکی نمی‌شد. ولی متاسفانه این کار هم پس از مدتی متوقف شد و ادامه پیدا نکرد ولی به جرات می‌گویم که این کار می‌تواند بازار کار خوبی داشته باشد همان طور که در بسیاری از کشورهای دنیا خواستار دارد و کاریکاتوریست‌هایی همچون یان‌آپ دوبیک به طور حرفه‌ای در این زمینه مشغول به کار هستند.

-بهترین کاریکاتور چهره‌ای که تا امروز کار کردی و بیشتر از بقیه دوستش داری کدام است؟

پرتره «آنتونی هاپکینز» که جایزه دوم دوسالانه کاریکاتور را هم برای من به ارمغان آورد و بعد از آن کاریکاتور چهره «خاویر باردم».

-برنامه‌ای برای برگزاری نمایشگاه از آثار جدیدتان دارید؟

الان مشغول تحصیل در رشته نقاشی در دانشگاه هستم و در عین حال مشغول تولید چند انیمیشن شخصی ولی در نظر دارم در سال آینده تجربیاتم را در نمایشگاهی با موضوعات نقاشی، تصویرسازی و کاریکاتور برای دوستان و علاقه‌مندان ارائه کنم.

-دلمشغولی دیگری به غیر از کاریکاتور داری؟

خب اهل ورزش هستم و تقریباً هر روز به باشگاه می‌روم، در ضمن هفت یا هشت سال هم هست که بدمینتون را به شکل حرفه‌ای ادامه می‌دهم.

-و در پایان؟

دوستانی را می‌شناسم که با وجود داشتن استعدادهای بسیار خوب در زمینه‌های هنری امروز مجبورند کارهای دیگری بکنند تا زندگی‌شان بگذرد. امیدوارم در این زمینه‌ها بیشتر فرهنگ‌سازی شود تا کمی نقدپذیرتر باشیم و فضا هم برای فعالیت مطبوعاتی بازتر شود.

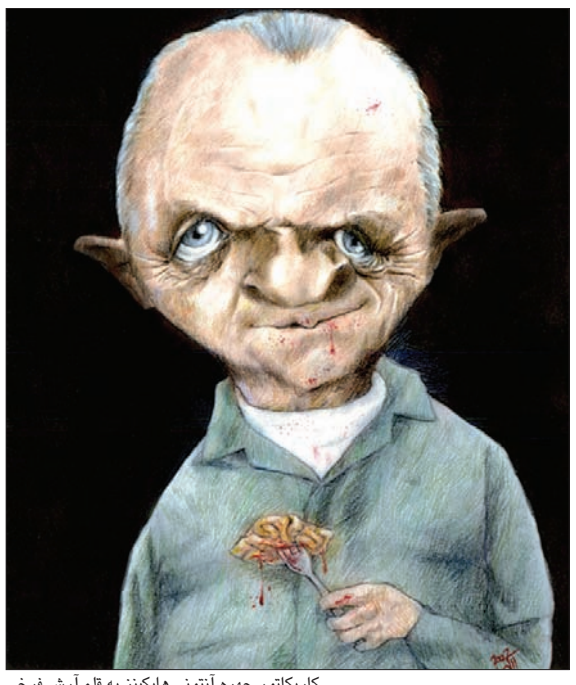

کاریکاتور چهره آنتونی هاپکینز به قلم آرش فرخی

نیوز لَند

شروع به کار یک سایت جدید کارتون

به گزارش خبرگزاری برلین، یک وب‌سایت غیردولتی در ایران اقدام به بازگشایی سایتی کرده که هدف از آن مخدوش کردن ماجرای تاریخی «هولوکاست» است؛ جنایتی که بنا به گفته این منبع طی آن در جریان جنگ جهانی دوم میلیون‌ها یهودی ساکن آلمان یا کشورهای مغلوب توسط ارتش هیتلری به قتل رسیده‌اند. این سایت با آدرس www.holocartoons.co نمایشگر کارتون‌هایی است که قبلاً در سال ۲۰۰۸ به صورت کتاب در ایران منتشر شده است.

مراسم اختتامیه نخستین جشنواره هنرهای تجسمی دانشجویان ۱۹ مردادماه برگزار می‌شود

جشنواره هنرهای تجسمی دانشجویان که با حضور ۲۵ کشور در موسسه فرهنگی هنری صبا از ۱۲ مردادماه افتتاح شده در رشته‌های کاریکاتور، نگارگری، خوشنویسی و مجسمه‌سازی در خانه هنرمندان و رشته‌های نقاشی و گرافیک در موسسه فرهنگی هنری صبا برگزار شد.

یک مسابقه جالب کارتون

به تازگی هر دو هفته یک بار روزنامه «تریبیون» یکی از کارتون‌های هنرمند معروف «ران راجرز» را بدون شرح نقل قول‌های مربوط به موضوع اثر منتشر می‌کند تا چنانچه خوانندگان بر اساس نگاه شخصی خود متناسب با شخصیت‌های کارتون توضیحی دارند در داخل حباب‌های نقل قول قرار دهند. داوران مسابقه نیز متعاقباً پس از تعیین بهترین نقل قول‌ها ضمن معرفی برنده، کارتون مورد بحث را تکمیل کرده و به چاپ می‌رسانند. جایزه این مسابقه جالب اصل کارتونی است که توسط «راجرز» امضا و برای شخص برنده ارسال می‌شود. علاقه‌مندان برای شرکت در این مسابقه می‌توانند به این آدرس ای‌میل ارسال کنند: cartooncontest@sbtinfo.com